

۳

شهردار مشهد قول داد
مشکلات شهرک مهرگان
را پیگیری کند
دسترسی به
جاده کلات و حل
مشکل طرح اگو



۶

ارزان، ولی قیمتی

۲۰

۱۰ شب شادی در «خیابان هنر»

دانشجوی رشته پزشکی و دارنده رتبه ۲۷ کنکور سال ۹۸ می گوید امکانات
مسیر رسیدن را آسان می کند، ولی نبودش مانع موفقیت نیست

بایدن درد دل حاشیه

۵۴



عکس: داود بهگام / شهرآرا

کلبه‌های ساکنان محله گازابو ی نامطبوع بازار گوشت در تابستان

بهداشت نمره ضعیفی دارد



سیرجانی امضای بوی مشمئزکننده فاضلاب و لجن در حاشیه خیابان عبادی پای مارا به این محدوده بازگردانده و مردم گفت و گو کنیم، اما این موضوع بهانه‌ای شد تا خیلی‌ها از نابه‌سامانی و رعایت نشدن بهداشت در بازار گوشت و مرغ محله گازگله کنند.

بی نظارتی مشکل ساز می شود

ساعت ۵ عصر است و هرم گرم آزار دهنده. خیابان تقریباً خلوت است و برخلاف دیگر ساعات شبانه روز ترددی نیست. از عبادی ۸۳ تا ۸۷ جز فروشگاه‌های بزرگ و کوچک گوشت و مرغ هیچ مغازه دیگری دیده نمی‌شود. کیسه‌های سیاه‌رنگ به ملولان استخوان‌های ریز در تشدید بوی مشمئزکننده بی‌تأثیر نیست. آن‌هم در گرمای طاقت فرسای این روزها. بانگ‌های به کانال رویازی که در مسیر است، نگاهم قلاب می‌شود به انواع زباله‌هایی که راه را بر عبور آب بسته است. یاد حرف یکی از کسبه می‌افتم که می‌گفت سرمشما این مشکل از قصابی‌هایی است که نظافت را رعایت نمی‌کنند و هیچ نظارتی هم بر کارشان نمی‌شود.

رضامینی که به گفته خودش بیش از ۵۰ سال در کوچه خطیب تبریزی ساکن است، می‌گوید: با اینکه مغازه‌های قصابی و مرغ‌فروشی کار راه انداز مردم هستند، بوی نامطبوع و آزار دهنده. مسیر ابتدای چهارراه گاز تا میدان امام حسین (ع) را پر کرده است. به ویژه در تابستان و گرمی هوا که تحمل ناپذیر می‌شود. او هم مثل خیلی‌های دیگر به شدت از ریخته شدن زباله و ورها شدن استخوان و ضایعات گوشتی در جوی و کنار خیابان شاکی است و با این بیماری هاقق هم دارند.

یکی دیگر از فروشندگان گوشت و مرغ که شاهد گفت‌وگو ماست، پیشنهادی در این زمینه دارد و می‌گوید: شاید کاری‌های بزرگ‌زباله در حل این مشکل تأثیرگذار باشد. علاوه بر این، جانمایی سطل‌های زباله ثابت خیلی مهم است. از طرفی، شهرداری هم اگر گشت و شوی روزانه این محدوده را در فعالیت‌های روزانه قرار دهد، در کم کردن مشکل بی‌تأثیر نیست.

نامه‌ای که بی جواب ماند

علیزاده در بولوار عبادی تعمیرگاه خود را دارد و منزلش هم در همان محدوده است. او با اشاره به چند مسافری که در انتظار اتوبوس کنار خیابان ایستاده‌اند، می‌گوید: ببینید با اینکه نیمکت‌هایی در پیاده‌رو و چند قدمی کانال آب جانمایی شده است، بیشتر مسافران ایستادن کنار خیابان را به نشستن روی نیمکت ترجیح می‌دهند. به این علت که واقعا نفس کشیدن سخت است.

او به نامه معترضانه‌ای اشاره می‌کند که چند سال قبل با امضای چند تن از کسبه به شهرداری منطقه برده شد تا مسئولان تبدیری در این باب ببینند. در آن نامه جمعی از کسبه برای کمک در راستای پوشانده شدن کانال، پرداخت نیمی از هزینه را تقبل کرده بودند. اما متأسفانه بی‌نتیجه بود.

امیر آقایی، یکی دیگر از ساکنان محله نیز می‌گوید: اجرایی نشدن طرح عقب‌نشینی هوا جانمایی پل هوایی عابر پیاده در همان نزدیکی، سبب شد کانال آب در برخی جاها انحناداشته باشد و تجمع آب در قسمت‌های پوشیده شده، گنداب بوی بد ایجاد کند. او با اشاره به پیشنهادی برای گذاشتن توری بر روی قسمت‌های باز کانال، ادامه می‌دهد: این شیوه دست کم مانع ورود زباله‌ها به درون کانال می‌شود.

رعایت بهداشت اوضاع را بهتر می‌کند

با توجه به اینکه رسیدگی به این محدوده در حیطه وظایف شهرداری منطقه ۲ است رئیس اداره خدمات شهری منطقه می‌گوید: متأسفانه این موضوع معضل محدوده‌هایی است که تعداد زیادی فروشگاه گوشت، مرغ و ماهی‌فروشی در کنار هم فعالیت می‌کنند.

ابوالقاسم عابدینی ادامه می‌دهد: در جلسه‌ای که چند سال قبل در شورای بهداشت منطقه ۱۱ در باره معضل مشابه این صنف در بولوار استقلال برگزار شد، درباره شکل‌گیری این بازار هشدار داده بودم. او یادآوری می‌شود: اصلاح شیوه کف‌سازی کانال از سوی واحد فنی و عمران منطقه به منظور جلوگیری از رگ‌ماندن آب‌های سطحی، الزام سازمان آب و فاضلاب به مغازه‌ها و املاک مسکونی برای اتصال به آگو، ضرورت رعایت بهداشت کسبه و شهروندان و... راه‌هایی است که می‌شود تا حدودی بوی نامطبوع را کاهش داد. اکنون نیز اداره خدمات شهری منطقه ۲ در راستای رضایت عمومی شهروندان این محدوده، هفته‌ای یک بار اقدام به شست‌وشوی می‌کند.

منطقه

منطقه

اجرای مراسم دهه کرامت در بوستان «ارم» ساکنان محله پنجتن را به وجد آورد

۱۰ شب شادی در «خیابان هنر»



ندا معصوم برای آن دسته از ساکنان محله پنجتن که این روزها تفریحشان به نشستن پای تلویزیون خلاصه شده است، اجرای برنامه «خیابان هنر» که در بوستان ارم برگزار می‌شود، شب‌های متفاوتی را رقم می‌زند. به ویژه اینکه خیلی از ساکنان ادعای کنند اولین باری است که در زمان شیوع کرونا چنین برنامه مهیج و نشاط‌آوری در برخی از بوستان‌ها برگزار می‌شود. «خیابان هنر» به مناسبت میلاد علی بن موسی الرضا (ع) در دهه کرامت هر شب میزبان ساکنان محله پنجتن و محله‌های مجاور است. آن‌طور که حمید نصرآبادی، کارشناس هنری و سینمایی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، می‌گوید: در تعاملی که بین معاونت سینمایی و هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان فرهنگی شهرداری مشهد انجام شد، این برنامه به منظور ایجاد حس نشاط و تعلق در مناطق پیرامونی برگزار می‌شود.

غرفه‌های شلوغ و پرهمه در فضای مفرح بوستان ارم حرف‌ها را تأیید می‌کند: از ایستگاه نقاشی، خوش‌نویسی و تصویرگری گرفته تا غرفه‌های عکس و فیلم‌سازی. یکی از ساکنان این محله که هر شب منتظر اجرای این برنامه است، می‌گوید: هیچ‌کدام از بخش‌ها به پای اجرای نمایش‌های خیابانی آن نمی‌رسد، کلی طرف دار دارد.

غافل گیر شدیم

فاطمه رضایی که همراه ۲ فرزندش برای تماشای برنامه آمده است، ادامه می‌دهد: بعد از این همه اخبار تلخ و شنیدن ماجراهای مربوط به بیماری، این برنامه هادر دهه کرامت حال و هوای ما را تغییر داد. او از دل مردگی مردم در ۲ سال شیوع کرونا می‌گوید و ادامه می‌دهد: اجرای برنامه همه ما را غافل گیر کرد. به خصوص اینکه سه سال سختی را پشت سر گذاشتیم. نمی‌دانید بعد از سال سخت و پرفشار چقدر همه از شرکت کردن در برنامه غرقه‌ها لذت می‌برند. مرضیه درویشی نیز تعریف می‌کند: بعد از این همه سختی که همه ما با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم، جای چنین مراسمی خالی بود. کاش همیشه ادامه داشت تا مردم هم تفریحی در بوستان می‌کردند و هم از اجرای برنامه‌ها استفاده می‌کردند. اعظم هوشمند، عضو شورای اجتماعی محله شهید قربانی که مسئول غرفه نقاشی کودکان است، از این همه استقبال به وجد آمده است و تعریف می‌کند: این غرفه مربوط به فرهنگ سرای انقلاب است و روزی بیش از ۴۰۰ تصویر توسط کودکان رنگ‌آمیزی می‌شود و من خوش‌حالم که بچه‌های محله این قدر با نشاط در خیابان هنر حاضر شدند.

هانیه مرتضوی مسئول یکی از غرفه‌هاست و تصویرسازی می‌کند. او اعتقاد دارد: کرونا و اوضاع روحی خیلی‌ها را به هم ریخت. این برنامه‌ها باید با رعایت اصول بهداشتی در همه مناطق اجرا شود. او توضیح می‌دهد: بیشترین مخاطبان کودکان در کنار پدر و مادرشان بودند و بی‌گمان اجراها و قسمت‌های مختلف حال و هوای همه آن‌ها را تغییر خواهد داد.

انجام دادن هیچ کار مهم و بزرگی بدون برنامه‌ریزی دقیق و منظم نمی‌شود. به ویژه اینکه بخواهد در زمانی انجام شود که مردم دغدغه و نگرانی بیماری را دارند. این موضوع را علیرضا احتشام، رئیس اداره فرهنگی و اجتماعی، مطرح می‌کند و ادامه می‌دهد: اجرای مراسم در چنین وضعیتی سخت است و ماسعی کرده‌ایم برنامه خیابان هنر با رعایت آیین‌نامه‌های بهداشتی انجام شود. هدف برنامه نیز ایجاد نشاط لازم برای زندگی است.

او با اشاره به غرفه‌های گوناگون می‌گوید: در کنار ایستگاه تصویرسازی و نقاشی کودکان، غرفه‌های صنایع دستی و نگارگری از بخش‌های ویژه هستند که مخاطبان استقبال زیادی از آن‌ها کرده‌اند. احتشام اجرای برنامه گروه سرود نسیم ولایت، خیمه شب‌بازی و نمایش‌های مختلف را از دیگر عنوان‌هایی ذکر می‌کند که از آن‌ها بسیار استقبال شده است.

منطقه ۳

۶۰۰ پاکبان در منطقه

بیش از ۶۰۰ پاکبان رفت و روپ منطقه را انجام می دهند. شهردار منطقه ۳ گفت: ۶۲۰ پاکبان و نیروی کارگری معابر منطقه را رفت و روپ می کنند. امید رضاحمانیان ادامه داد: هر روز حدود ۱۰ میلیون تومان هزینه رفت و روپ منطقه می شود و در سال گذشته بیش از ۳۶ میلیارد تومان هزینه پاکیزگی معابر این محدوده شهری شده است. او یادآور شد: همچنین هر شهروند منطقه روزانه ۳۴ گرم زباله ترخانگی تولید می کند.

نصب ۳ پل روی کال دروی

برای سهولت دسترسی های شهروندان در ۲ سمت کال دروی، ۳ پل روی کال نصب می شود. سید جواد هاشم نیا، معاون فنی و اجرایی منطقه ۳، گفت: پل رسالت ۸۵ و رسالت ۹۱ با اعتبار ۲۵ میلیارد تومان در دست احداث است که با بهره برداری از آن ها محلات زیادی به هم متصل می شوند و راه های ارتباطی کوتاه می شود.

۷ ایستگاه حضور

در راستای افزایش نشاط انتخاباتی ۷ نقطه از منطقه به برپایی ایستگاه های «حماسه حضور» اختصاص یافت. رئیس اداره فرهنگی و اجتماعی منطقه ۳ گفت: این ایستگاه ها مقابل آرامگاه خواجه ربیع، بوستان یاس، تقاطع گاز رسالت بوستان بهار میدان راه آهن، ایستگاه نبوت قطار شهری و ایستگاه طبرسی شمالی ۴۶ برپا شد. مصطفی عباسی ادامه داد: در ایستگاه ها ویژه برنامه های «کافه گفت و گو» و «تربیان آزاد انتخابات» با مشارکت اعضای شورای اجتماعی محلات اجرا شد.

دهه کرامت در منطقه

آذین بندی و فضا آرای منطقه ۳ به مناسبت دهه کرامت انجام شد. مسئول روابط عمومی منطقه گفت: پرده آویز رنگی در معابر خیابان های هاشمی نژاد، کاشانی، کامیاب، خواجه ربیع، رسالت، شهرک مهرگان و کشمیری حال و هوای این معابر را متفاوت کرد. احمد پورمفردی یادآور شد: آویزهای بیرقی در خیابان های شیرازی، گاز، مقداد، مسلم، طبرسی شمالی و مهرگان برای پرشکوه شدن این ایام نصب شد.

پایان معابر خاکی

در راستای تأمین حقوق شهروندان، از ابتدای امسال بیش از ۵ هزار متر مربع روکش و لکه گیری آسفالت معابر منطقه اجرا شد. فرهاد ذبیحی، شهردار منطقه، گفت: معابر بولوار نبوت، پنجتن و... در این مدت لکه گیری و روکش آسفالت شد. در حالی که لکه گیری آسفالت معابر تا پایان امسال نیز ادامه خواهد داشت. او یادآور شد: همه معابر خاکی منطقه آسفالت شد و معبر خاکی کپورژه های شرکت های خدماتی در آن به پایان رسیده است و دارای طرح تفصیلی باشد، در منطقه وجود ندارد.

تکریم رأی اولی ها

رئیس شورای اجتماعی محله تالاب از اجرای مصوبه شورایی صندوق های رأی خبر داد. محمد ابراهیم توانا گفت: برای تشویق رأی اولی ها که نخستین بار پای صندوق آمدند، شاخه گل و هدیه ای به آن ها داد شد تا خاطر نخستین حضورشان برای همیشه در یادشان بماند. او ادامه داد: همچنین طرح نذر آقا، در دهه کرامت اجرا می شود؛ به این ترتیب که نیازمندان محله شناسایی و حساب های دفتری آن ها در مغازه ها تسویه می شود.

کاشت گل فصلی و دائمی

از ابتدای امسال ۱۹۰ هزار بوته گل فصلی و دائمی و ۳۵۸ اصله درخت در منطقه کاشته شد. فرهاد ذبیحی، شهردار منطقه افزود: عملیات انتقال درختان چندین ساله از ریشه به محلی جدید برای تأمین و کاشت درخت در حاشیه خیابان و بوستان های تازه تأسیس کارساز است که در منطقه دنبال می شود. او ادامه داد: کاشت و روت بالای ۸۵۰ متر طول پرچین، مرمت میلان پارکی و وسایل بازی کودکان از دیگر اقدامات برای فضای سبز است.

شهردار مشهد قول داد مشکلات شهرک مهرگان را پیگیری کند
دسترسی به جاده کلات
و حل مشکل طرح آگو



شهردار مشهد گفت: با انجام هماهنگی های لازم، مشکلات شهرک مهرگان را پیگیری می کند. شهردار مشهد گفت: با انجام هماهنگی های لازم، مشکلات شهرک مهرگان را پیگیری می کند. شهردار مشهد گفت: با انجام هماهنگی های لازم، مشکلات شهرک مهرگان را پیگیری می کند.

حاشیه بولوار به فضای سبز، اظهار کرد: تاکنون زمین هایی را که مسکن و شهرسازی به شهرداری مشهد تحویل داده است، به فضای سبز و سرانه های خدماتی تبدیل کرده ایم، اما هنوز برخی از این زمین ها به شهرداری تحویل نشده است. در همین راستا پیگیری تحویل کامل زمین های سرانه خدمات شهرک مهرگان از سوی مسکن و شهرسازی به شهرداری هستیم و این موضوع را دنبال می کنیم. شهردار مشهد تصریح کرد: معتقدم یکی از راهکارهایی که می تواند نیازهای شهرک مهرگان و منطقه قرقی را شناسایی کند برای رفع آن برنامه عملیاتی

ارائه دهد، تأسیس دفتر تسهیلاتی در این محدوده است که این موضوع نیز در دستور کار قرار دارد. کلاهی با اشاره به درخواست ساکنان شهرک مهرگان برای سامان دهی دسترسی شهرک از جاده کلات ادامه داد: موضوع دسترسی به شهرک مهرگان از جاده کلات پیچیده است و باید به صورت مشترک با حضور شهرداری، فرمانداری، راه و شهرسازی و سازمان بازرگانی کشور دنبال شود که این موضوع را پیگیری می کنیم. وی درباره مشکلات مربوط به فاضلاب این شهرک گفت: اجرای شبکه جمع آوری فاضلاب و طرح آگودر

مهرگان موضوع دیگری است که از وزیر نیرو و اداره فاضلاب پیگیری می کنیم تا مانند قلعه ساختمان، مشکل شهرک مهرگان نیز حل شود. شهردار مشهد درباره کمبود سرانه های فرهنگی این شهرک اظهار کرد: مهرگان به توسعه خدمات فرهنگی و اجتماعی نیاز دارد که باید بخشی از آن را شهرداری و بخشی دیگر را بقیه دستگاه های متولی ارائه دهند. کلاهی در ادامه ۲۰ مسجد در این شهرک بازدید کرد و گفت: شهرداری مشهد به توسعه و راه اندازی کتابخانه و همچنین بهسازی بخشی از ساختمان مساجد برای استفاده مردم کمک می کند.

پروژه گرافی

فرهنگ سرای انقلاب



پنجتن ۴۵، جنب بوستان ارم



بهمن ۱۳۹۰



رسالت «انقلاب» در پنجتن



فرهنگ سرای انقلاب که سال ۱۳۹۰ در مساحت ۱۲۰۰ متر مربع در یکی از مناطق کم برخوردار مشهد احداث شد، تاکنون گام های مؤثری در زمینه برگزاری رویدادهای فرهنگی و پرکردن وقت فراغت شهروندان این محدوده برداشته است. این مجموعه دارای کتابخانه مجهز، سالن آمفی تئاتر و کلاس های گوناگون برای برپایی برنامه های آموزشی و هنری است. تولید محتوای مناسبی و ویژه عموم مردم به خصوص در دهه فجر و پیروزی انقلاب اسلامی از جمله برنامه های آن است. در حالی که برگزاری نمایشگاه «مشهد دوست داشتنی»، نمایش واکران مستند «دیوار شیشه ای» که مربوط به بازدید پدر هبیر معظم انقلاب از موزه عبرت می شود و همچنین اجرای تئاتر دستگیری افراد انقلابی توسط ساواک از جمله مهم ترین برنامه های است که در ایام پیروزی انقلاب اجرا شده است.

با توجه به اینکه فضای گسترده منطقه ۴ فقط یک فرهنگ سرادارد، همه امید ساکنان به ویژه در محله های پنجتن، پنج تن آل عبا، میثم و شهید قربانی به این مجموعه است. «انقلاب» در تابستان و زمان اوقات فراغت در چند سال گذشته برنامه های خوبی داشته است. به ویژه برای بانوان که از کلاس های هنری و آموزشی آن استفاده زیادی کرده اند. یکی از مؤلفه هایی که بیشتر خانواده ها به عنوان امتیاز از آن یاد می کنند، توجه این مجموعه به ادبیات کودک و نوجوان است که برگزاری کلاس های شاهنامه و حافظ خوانی و نقالی شاهد بر آن است.



دانشجوی رشته پزشکی و دارنده رتبه ۲۷ کنکور سال ۹۸ می گوید امکانات مسیر رسیدن را آسان می کند، ولی نبودش مانع موفقیت نیست

بالیدن در دل حاشیه

منطقه
۴

فاطمه شوشتری می گوید: «مگر آدم هادر زندگی شان چند تا آرزوی خیلی بزرگ دارند؟ چند تا آرزو دارند که شب و روز به آن فکر کنند و برایش رؤیا بیا فند؟» درنگ می کند و به انگشت هایش زل می زند، دست روی دست می گذارد و آرام می گوید: «بیشتر از سه چهار تا که نیست. اگر برای رسیدن به همین چند تا هم تلاش نکنیم، پس دیگر برای چه زنده ایم؟» با این استدلالش خلع سلاح می کند، آن هم بعد از همه حرف هایی که در باره شرط وجود امکانات برای رسیدن به موفقیت ها و آرزوها گفتیم.

حسنعلی ساقی با این صحبت های رود سراغ معرفی خودش و آرزوی پزشک شدنش تا بگوید تلاش است که زندگی را شکل می دهد و آدمی را به آرزو هایش می رساند؛ حتی اگر کسی همچون او از خانواده ای با سطح مالی متوسط و حتی پایین باشد، در منطقه کم برخوردار زندگی کند، از مدرسه عادی دولتی تحصیل را شروع کند، کلاس کنکور نرود، معلم خصوصی نداشته باشد، از میز مطالعه و ده ها منبع آموزشی و تست محروم باشد، با اتوبوس به مدرسه برود و حتی سال منتهی به کنکور یعنی پایه دوازدهم را غیر حضوری بخواند. حسنعلی با تلاشی که به آن باور داشت، توانست با کمترین امکانات به آرزوی بزرگش برسد و با کسب رتبه دورقمی، «نخبه» پیشوند نامش شود.

حسنعلی خاطرات متفاوتی از درس خواندن و کسب رتبه ۲۷ منطقه ۷۲ کشوری در رشته علوم تجربی دارد و معتقد است آدم در هر جای دنیا اگر آستین همت را بالا بزند، حتما نتیجه اش را می بیند. او پسر پرتلاشی است که فقط با صرف ۵۰۰ هزار تومان، ۲ سال قبل در قله قبولی های کنکور قرار گرفت و نامش در فهرست پزشک های آینده کشور آمد. نخبه ای که قرار است بعد از پایان درس پزشکی در دانشگاه تهران، به شهر خودش برگردد و از مشکلات مردم، به خصوص پایین شهر و محله زادگاهش گره ای باز کند.

فصل تابستان که همیشه به یک آزمون بزرگ برای دانش آموزان دبیرستانی آغاز می شود، بهانه ای شد که سراغ این نخبه گروه علوم تجربی کنکور ۱۳۹۸ در محله میثم شمالی برویم. تنها توصیه او به دانش آموزان، تلاش هدفمند برای رسیدن به آرزوی بزرگ است. حسنعلی جز تلاش فردی، همراهی خانواده را در این موفقیت بی تاثیر نمی داند و در طول مصاحبه بارها به پدر کارگر و مادر خانه دارش افتخار می کند که کمک کردند تا او امروز به آرزویش برسد.

● همیشه خودم را جای دکترها می گذاشتم

شب کنکور سال ۱۳۹۸ که پلک روی هم گذاشت و با تکیه بر تلاش هایش آسوده و راحت خوابید، تصویری از بعد کنکور و اعلام نتایج نداشت. استرس داشت، اما قوت قلب معلم ریاضی دبیرستان، نمره برتر آزمون تیزهوشان، رؤیای جراحی قلب، دست های پدر کارگر، زحمت های مادر و درس خواندن های زیاد که از ذهنش گذشت، با خودش فکر کرد رسیدن به رشته ای که دوستش دارد، زیاد سخت نیست؛ سواد خواندن و نوشتن که پیدا کردم، درس خواندن هم آموختم در فهرست علاقم. دکترها را دیده بودم و همیشه خودم را جای آن ها می گذاشتم. از همان بچگی دلم می خواست پزشکی قبول بشوم. به همین دلیل از کودکی برای رسیدن به این آرزو تلاش کردم. مقطع ابتدایی را که تمام کردم، وارد مدرسه تیزهوشان شدم. چون از مدرسه دولتی آمده بودم، از بقیه بچه ها عقب تر بودم و توان گرفتن معلم خصوصی هم نداشتم که به آن ها برسیم. خودم را با ختم و شب و روز درس خواندم تا



من
امکاناتی
در خانه
نداشتم. نه
خبری از کلاس
و سی دی های
آموزشی بود و نه
حتی میزی برای
مطالعه.

مراعات جیب کارگری ام را می کرد

حسنعلی در طول مصاحبه بارها به پدر و مادرش و کم توقعی آن ها اشاره می کند. موضوعی که باعث شده است هیچ تحمیلی روی او نباشد و بتواند بدون استرس درس بخواند و آزمون بدهد. نکته ای که از نظر او خیلی از خانواده ها آن را رعایت نمی کنند و به دنبال آرزوهای خودشان در درس خواندن فرزندان شان هستند. با همین الگو خود او در آینده می خواهد برای فرزندان شان همین طور باشد و تحمیلی در زندگی نداشته باشد، حتی اگر فرزندان شان به دنبال هنر باشند که این روزها پول درآوردن از آن سخت است. با همین نکته های حسنعلی، پدرش محمد رضا ساقی می گوید: در طول سال ها درس خواندن حسنعلی، من و مادرش حتی یک بار هم نگفتمیم تو در بهترین مدرسه درس می خوانی، پس باید فلان رتبه را بیاوری یا فلان رشته در دانشگاه قبول شوی. او در همه سال های تحصیل هیچ وقت به من نگفت بابا پول بده کلاس ثبت نام کنم، معلم خصوصی بگیرم، کتاب بخرم، سرویس بگیرم و... همیشه مراعات من کارگر و حساب جیبم را کرد. حتی زمانی که مجبور بود برای رفتن به مدرسه تیزهوشان شهید هاشمی نژاد در میدان فردوسی، صبح دوتا و موقع برگشت هم دوتا

اتوبوس عوض کند، پیشنهاد سرویس را دادم، باز هم خودش قبول نکرد. در کل برای درس خواندن خرجی روی دست من نگذاشت.

مادر حسنعلی هم از کم توقعی پدرش می گوید و با یادآوری خاطرات دوران کودکی او تعریف می کند: حسنعلی زمانی که هنوز مدرسه نمی رفت، عاشق کیف و کتاب بود. هر روز صبح زود از خواب بیدار می شد تا کیف برادرش مجتبی را بردارد و همراه او به مدرسه برود. وقتی هم مدرسه رفت، کیف و کتاب هایش را هر جا که می رفتیم، همراه خودش داشت؛ از مهمانی بگیرد تا روستا. هیچ وقت هم نمی گفت این کیف کهنه شده است یا این دفتر خوب نیست یا این مداد کوچک شده است. با کمترین وسایل درس می خواند. حتی از من هم توقعی نداشت و من طی ۱۲ سال تحصیل حسنعلی حتی یک بار کتابش را باز نکردم یا حتی یک بار نگفتم درست را بخوان. خودش به موقع می خواند و جمع می کرد. البته از همان زمان من اصلا توقعی نداشتم که پزشک و مهندس شود. همیشه می گفتم همین که مدرسه برود و بعدها کار داشته باشد، کافی است. وقتی هم در سال آخر خیلی از هم کلاسی هایش مشاور برای برنامه ریزی می گرفتند، او برای خواندن درس ها به خودش تکیه کرد و با آزمون و خطا مشاور خودش شد.

#دانشجوی پزشکی
#در خانه کارگری

ابتدایی معدل ۲۰ بود و شاگرد اول کلاس ها بودم. سال آخر ابتدایی مدیر مدرسه نامم را برای آزمون مدارس تیزهوشان رد کرد و من هم با نمره خوبی قبول شدم. مدرسه دوره اول دبیرستان تیزهوشان در مصلی بود و خانه ما هم در بولوار دوم طبرسی. برای اینکه خرج اضافی روی دوش پدر کارگرم نگذارم، هرروز با اتوبوس راهی مدرسه می شدم. زمانی هم که در آزمون تیزهوشان برای تحصیل در دوره دوم دبیرستان قبول شدم و قرار شد به میدان فردوسی بروم، باز هم با اتوبوس رفت و آمد می کردم و هرروز ۲ اتوبوس عوض می کردم. دانشگاه را هم فقط در ۲ ترم حضوری در خوابگاه دانشگاه تهران خواندم و الان هم با کرونا بیش از یک سال است که واحدهای درسی را غیر حضوری می گذرانم.

● نقش مثبت کتابخانه

همان طور که حسنعلی ساقی اشاره کرد، او با استفاده از کتاب های امانتی مدرسه و فضای مطالعه کتابخانه بوستان بسیج برای کنکور تلاش کرده است. موضوعی که نشان دهنده نقش کتابخانه و محیطش برای موفقیت کنکوری هاست.

هادی کریم پور، مسئول کتابخانه شهید موسوی فرهنگ سرای انقلاب هم بر این نکته صحه می گذارد و می گوید: وجود کتابخانه و در دسترس بودن آن در موفقیت کنکوری هایی تأثیر نیست، به خصوص در مناطق کم برخوردار که احتمال دسترسی آن ها به منابع خوب و به روز کمتر است. از همین رو با دیدن موفقیت دانش آموزان در کتابخانه سعی می کنیم هر سال منابع را به روز کنیم. امسال چون اعتبار نداشتیم، ۱۵۰ جلد کتاب تست و آموزشی خوب از دانش آموزان بالای شهر در طرح اهدا و وقف کتاب به کتابخانه ما داده شد؛ کتاب های خوبی که با توجه به مراجعه زیاد کنکوری ها به ما اصلا در قفسه هانمی ماند. البته از گذشته هم ۸۰۰ جلد کتاب تست و آموزشی از دبستان تا کنکور داریم که به دلیل تغییر کتاب های درسی، بخشی از آن ها باید عوض شود، اما از بخش دیگر استفاده می شود.

طبق گفته های او، وجود همین کتابخانه کوچک باعث شده است تا کنکوری های این محدوده نیازهایشان را در حوزه کتاب تست و آموزشی و همچنین فضای مطالعه برآورده کنند.

آن طور که اومی گوید، در دوران کرونا به علت وجود محدودیت ها، روزانه ۲۰ کنکوری از سالن مطالعه استفاده می کنند، اما تعداد افرادی که کتاب مخصوص کنکور به امانت می گیرند، زیاد است، در حدی که کتاب های جدید اصلا در قفسه هانمی ماند. او با تأکید بر همین موضوع، تأکید می کند که باید نهاد کتابخانه ها و شهرداری برای بارور شدن این استعدادها بیشتر در کتابخانه ها هزینه کنند. /

انصراف از تحصیل به علت بی پولی

علی اکبر خوشبخت معاون دبستان شهیدرجایی است. کسی که تجربه معلمی اش در مدارس مناطق کم برخوردار او را به این باور رسانده است که مشکل استعداد در نقاط پایین شهر وجود ندارد، بلکه نرسیدن به موفقیت این دانش آموزان، بیشتر به والدین آن ها برمی گردد.

او می گوید: متأسفانه در این مناطق مشکلات اقتصادی خانواده ها بیشتر است و پدر و مادر خیلی درگیر این موضوع هستند. از همین رو چندان دنبال درس و تحصیل فرزندانشان نیستند. برای بیشتر آن ها همین اندازه که فرزندشان باسواد شود و دیپلم بگیرد و در کاری مشغول شود، کافی است. معمولاً استعداد بچه های پایین شهر کشف نمی شود. شاید باورتان نشود که ما اینجا والدینی داریم که برای پرداخت ۵۰ هزار تومان هزینه تحصیلی فرزندشان کل پرونده را پاره می کنند و از تحصیل پسرشان انصراف می دهند. حال آنکه معلم ها همان هایی هستند که در دیگر نقاط شهر هم وجود دارند و همان درس هایی را آموزش می دهند که مدارس دیگر دنبال می کنند و نمی شود گفت که معلم ها در پایین شهر کم زحمت می کشند. از طرف دیگر، اگر استعدادها هم کشف شود، در بیشتر موارد به علت مشکلات اقتصادی خانواده ها، این استعدادها هز می روند. به همین دلیل است که تعداد نخبه هایی که از نقاط کم برخوردار شهر معرفی می شوند، کمتر از بالای شهر است.



گذاشتم و تا خود کنکور زندگی ام بدون موبایل بود.

● اتفاقاً اینجا جای ماندن است

گاهی در باره اش می شنویم یا آمار جدیدی به گوشمان می رسد که فلان رتبه برتر هم رفت در فهرست فرار مغزها. نام هایی که برایمان حکایت تلخی دارد. اما حسنعلی جور دیگری فکر می کند و معتقد است که اتفاقاً اینجا جای ماندن است. او می گوید: بارها به رفتن از ایران و مهاجرت به عنوان یک رتبه برتر فکر کرده ام، اما من پزشک شده ام تا دردی از جامعه ام دوا کنم و تصمیم دارم تخصصم در پزشکی رادر رشته جراحی قلب و عروق ادامه بدهم و با پایان یافتنش به مشهد برگردم و به ویژه برای مردم پایین شهر، جایی که در آن بزرگ شده ام، خدمت کنم. به نظر من آدم نباید بعد از موفق شدن محیط زندگی اش را از یاد ببرد. پدر من کارگر بود، ولی یک سال که کتابخانه رفتم، با همراهی برادرهایم هرروز برایم ناهار تازه به کتابخانه آورد. مادرم خانه دار بود و هرشب فضای خانه را آرام می کرد تا بدون استرس درس بخوانم. چطور می توانم زحمت هایشان را فراموش کنم و بروم، حتی برای زندگی بهتر. من از گذشته هم قبول نداشتم که وضعیت خانوادگی، شغل پدر و مادر، محیط زندگی و درس می تواند شرط موفقیت باشد، الان هم همین را می گویم و در ایران می مانم تا با تلاشم به موفقیت برسم.

● وضعیت سخت، نتیجه عالی

حسنعلی استعدادی بود که مدیر مدرسه او را کشف و درست راهنمایی کرد و با تلاش، نه تکیه بر امکانات، توانست در سال ۱۳۹۸ یکی از ۲ مشهدی ای باشد که رتبه زیر ۱۰۰ کسب کرده اند. او در پاسخ به اینکه کمبود امکانات در مناطق کم برخوردار شهر، تا چه اندازه امکان موفقیت را از بچه های این مناطق می گیرد، می گوید: بچه های این مناطق ظرفیت زیادی دارند، ولی توانمندی هایشان درست و به جا استفاده نمی شود و استعدادها کور می ماند. مثلاً وقتی بچه های فامیل و همسایگان برای رفع مشکل پیش من می آیند، متوجه باهوشی شان می شوم، اما مشکل اینجاست که زمینه بروز استعدادشان وجود نداشته است. با همین باور فکر می کنیم باید بهترین امکانات و بهترین مدرسه را داشته باشیم که صاحب رتبه خوب در کنکور شویم یا معجزه شود که پزشکی قبول شویم. حال آنکه من به چشم خودم در دانشگاه تهران که بهترین دانشگاه ایران است، دانشجویی زیادی دیدم و می بینم که از وضعیت سخت به نتیجه عالی رسیده اند. البته یکی از مهم ترین علت های پایین بودن سطح علمی در مدارس کم برخوردار این است که احتمال داشتن رقیب سرسخت کم است. اتفاقی که در مدارس مناطق برخوردار می افتد و این حس رقابت باعث موفقیت بیشتر می شود.

● اتوبوس سواری تا رسیدن به مدرسه

۳۳ برادر هستیم با فاصله سنی به نسبت کم. من پسر وسطی و متولد سال ۱۳۸۰ هستم. از زمانی که چشم باز کردم تا به امروز در همین نقطه شهر بوده ایم. پدرم کارگر کارخانه آرد در تپه سلام است و مادرم خانه دار با سواد سبک. نه من و نه ۲ برادر دیگر هیچ وقت مدرسه غیرانتفاعی نرفتیم و آغاز تحصیلمان از مدرسه عادی نزدیک خانه به نام شهیدرجایی بود. در هر کلاس بیش از ۳۵ نفر کنار هم می نشستیم. برادر بزرگ تر فوق دیپلم گرفت و کافی نت دارد. برادر کوچک تر هم مدرسه می رود و من دانشجوی پزشکی هستم. از همان ابتدا که پایم به مدرسه رسید، درس خواندن به علاقه مندی های کودکی ام اضافه شد. در مدرسه خوب گوش می کردم و در خانه بدون کمک پدر و مادرم تکالیفم را انجام می دادم و بازی هم می کردم. هر ۶ سال

به آن ها رسیدم و حتی از بقیه جلوزدم. من امکاناتی در خانه نداشتم. نه خبری از کلاس و سسی دی های آموزشی بود و نه حتی میزی برای مطالعه. روی قالی چهارزانومی زدم و درس می خواندم. حتی کتاب تست زیادی هم نداشتم و بیشتر کتاب های لازم را از کتابخانه مدرسه امانت می گرفتم. سال ۱۳۹۸ فقط ۵۰۰ هزار تومان کتاب خریدم و همان ها را بارها دوره کردم و تست زدم. شاید وجود امکانات مسیر رسیدن را برای من آسان می کرد، ولی نبودشان هم جلوم را ننگرفت. چون تلاش کردم و خواندتم هدفمند بود. نوع مدرسه تعیین کننده نیست. اگر مدارس دیگر هم بودم، به همین اندازه برای رسیدن به رتبه زیر ۱۰۰ و پزشکی تلاش می کردم.

● خودم را به زمان محدود نکردم

حسنعلی برای درس خواندن و آماده شدن برای کنکور شیوه خودش را داشته است: از آن هایی نبودم که برای درس خواندن در راه روی خودم ببندم. چون به همان اندازه که درس خواندن مهم است، استراحت هم مهم است. از تابستان سال یازدهم که به طور جدی خواندن برای کنکور را شروع کردم، روزی ۹ ساعت می خواندم که در روزهای منتهی به کنکور به ۱۲ ساعت رسید. البته من زمان تعیین کردن برای مطالعه را قبول ندارم و فکر نمی کنم هرکسی ساعت بیشتری بخواند، یعنی حتما در کنکور موفق می شود، بلکه بیشتر برنامه ریزی مهم است. من سال دوازدهم مدرسه نرفتم و از مدرسه ام که بهترین معلم و کلاس ها را دارد، استفاده نکردم. چون سرعت آن ها کم بود و به جای آن وقتم را گذاشتم برای خواندن کتاب های آموزشی خوب. در خانه یا کتابخانه بوستان بسیج که درس می خواندم، هر ۲ ساعت یک بار خوب استراحت می کردم. تفریح هم ورزش بود. در خانه داخل حیاط و در کتابخانه از وسایل ورزشی پارک استفاده می کردم. البته از زمانی که جدی درس خواندن را شروع کردم، موبایل را کنار



کنکوری ها بداندن

بیشتر کارم این روزها خواندن درس های پزشکی و مشاوره دادن به دانش آموزان کنکوری است. اگر بخواهم خلاصه راهنمایی کنم، مهم ترین توصیه های من این است که ساعت ها کلاس رفتن، ارزشش کمتر از یک ساعت مطالعه کتاب های مفید است. پس در استفاده از کتاب های آموزشی و تست خوب برنامه ریزی داشته باشند. زیرا این کتاب ها امروز تا حد آموزش معلم های خوب پیشرفت کرده اند.

از طرف دیگر، حتما در سال آخر در یکی از آزمون های آزمایشی شرکت کنند. نه به دلیل سنجش خودشان، بلکه بیشتر به سبب برنامه ریزی هدفمندی که این آزمون هادر مطالعه ارائه می کنند. همچنین حتما مصاحبه رتبه های برتر را در فضاهای مجازی بخوانند و از مشاوره های آن ها استفاده کنند. درست مانند کاری که خود من انجام دادم. زیرا نکته های متفاوت تری در مطالعه ارائه می کنند. هیچ وقت مداوم مطالعه نکنند و بین خواندن هایشان استراحت کنند و در آخر هم اینکه خواندن را از مسائل سخت شروع نکنند، بلکه از آسان ها شروع کنند تا به سطح سخت و پیشرفته برسند. با این روش مسائل را از ابتدا درست می آموزند و احتمال خطا پایین می رود.

نمد مالی حرفه محمد علی است؛ مرد مو سفید کرده‌ای که می‌گوید مردم از خواص نمد غافل‌اند

ارزان، ولی قیمتی

معصومه فرمانی کیا | صاحب یکی از مهجورترین هنرهاست. دیوارهای حجره نمد مالی محمد علی محمدی در رسالت، مانند چین و چوک‌های صورتش پرخط و راه است؛ قدیمی و کهنه. صبح‌ها پیرمرد جزو اولین کسانی است که کرکره مغازه‌اش را بالا می‌کشد و شب‌ها جزو آخرین نفرهایی است که قفل به آن می‌زند. محمد علی از آن دسته کسبه‌ای است که زندگی روزمره ساده‌ای دارند. در دیوار حجره پیر از نمد های کوچک و بزرگ است. برای همین است که مغازه‌اش می‌تواند پاتوق همه هنردوست‌هایی شود که دلشان برای قدیمی‌ها تنگ می‌شود.

راضی است به زندگی بی‌حسرتی که دارد؛ نه به دنبال جاه طلبی است و نه دست کشیدن به سرور و مغازه‌اش. کمتر مشتری به مغازه‌اش سر می‌زند، جز اندک روستایی‌ها و عشایری که از روستاهای اطراف می‌آیند. آن‌ها هم تعدادشان روز به روز کمتر می‌شود. به همین دلیل ما را که در قاف در می‌بیند، سر و کمر راست می‌کند و تعجب زده می‌پرسد چه می‌خواهید. حجره به قول محمد علی نسر است. آفتاب نمی‌گیرد و پیرمرد نمد را بین همین چهار دیوار می‌وزی دهد، اما برای خشک شدن نمدهایی که با آب و صابون کوبیده می‌شوند، باید تا آفتاب بکشانندشان. بیرون مغازه، چند قدم پایین‌تر از حجره‌اش آفتاب پهن است.

نمد و تجربه تازه در زندگی

محمد علی محمدی که ۷۵ سالگی را هم گذرانده است، اهل افغانستان است و اصلش به شهر هرات برمی‌گردد. بی‌غل و غش و صاف و ساده است و با همین ویژگی است که در همان فاصله کوتاه، همه زندگی‌اش را مخلصانه روی دایره می‌ریزد. او خانواده‌اش قبل از انقلاب به ایران کوچ می‌کنند. یعنی اینکه چهل و چند سال است که هر روز در خاک مشهد چشم‌پاز کرده و نفس کشیده است. دست‌هایش پر از زخم است و زخم‌های ناسور برمی‌گردد به سختی روزگار و کاری که رمقی به جاننش نگذاشته است.

کودک هم که بوده، معماری می‌کرده است. از همان سال‌های کودکی به رنج خو کرده بود و شواری‌ها را به جان می‌خرید. مثل همین حالا. در میان روزهای بی‌آسایشی که در سال‌های زندگی‌اش گذرانده، فکر نمی‌کرده است روزی برسد که دل نگران خرجی زندگی‌اش باشد. تعریف می‌کند: نمد مالی سخت است، اما مایه‌ای ندارد.

هنری که غنیمت است

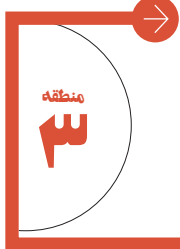
رغبت پیرمرد هم برای بازگشت به گذشته کمتر از ما نیست. با اشتیاق حرف می‌زند و تعریف می‌کند: آن روزها که جز صدای عوعوی سگ‌های ولگرد چیزی نبوده است، اینجا نمد مالی می‌کردم. روزگاری نمد بازار پر رونقی داشت. روزی چند بار می‌نشیند و حساب می‌کند با این پولی که روزانه به ۷۰ هزار تومان هم نمی‌رسد، می‌تواند چه کاری انجام دهد. هر بار به این نتیجه می‌رسد که دخل و خرجش با هم نمی‌خواند و باز تکرار می‌کند نمد مالی که پولی ندارد.

وجود او و هنرش غنیمت است. این را بدون هیچ غلو و تعارفی به او می‌گوییم و نگاهمان را با اشتیاق می‌کشاییم به دور تا دور مغازه‌اش که برخی نمد های سبک‌تر را برای بازار گرمی به دیوار کوبیده است. دست می‌کشیم روی یکی از آن‌ها و از بوی پشمی که حجره و شامه‌مان را پر کرده است، می‌پرسیم. می‌گوید: بوی پشم تمامی ندارد و ما عادت کرده‌ایم، اما خیلی هادوست ندارند. این بو همراه نمد است، به خصوص وقتی خیس و مرطوب شود.

نمد چوپانی بیشتر خریدار دارد

قد و قواره تن پوش نمدی که سنگین و بزرگ به نظر می‌رسد، چشممان را می‌گیرد. محمد علی محمدی می‌گوید: چوپانی است و خریداران بیشتر از دیگر نمد ها است.

او ادامه می‌دهد: این نمد بیشتر از ۱۰ کیلو وزن دارد، اما به کار بردی که برای چوپان‌ها دارد، می‌ارزد. اینکه



در باره نقش و رنگ نمد های پیرمرد همین اندازه می‌داند که هم طرح بسیار است و هم رنگ و نقش. می‌گوید: رنگ‌ها را می‌خریم و طرح را خودمان می‌زنیم. جوان‌تر که بودم، ودل و دماغ زیادی داشتم برای اینکه رنگ‌ها روشن‌تر باشند. مشتری‌ها دوست دارند نمد ها نقش و نگار بیشتری داشته باشند. حالا همین که سرم گرم باشد، بس است.

پیرمرد دوباره و خیلی کوتاه توضیح می‌دهد: برای کار نمد باید پشم‌ها را با صابون خیس کنیم و بعد آن‌ها را با دست یا پاکو بپیم و آن قدر ضربه بزنیم تا شکلی را که می‌خواهیم به خود بگیرد؛ برای طرح نمد ها، قالب‌ها از پیش تعیین شده است؛ قالب را روی نمد می‌گذاریم و پنخ‌های رنگی را روی آن. بعد روی نمد را برمی‌گردانیم و دوباره آن را می‌کوبیم تا نقش بگیرد. همه نمد ها به همین شکل که می‌بینید درست شده است. مثل پادری، فرش‌های کوچک، عرق‌گیر قاطر، انگار چیزی یادش افتاده باشد، توضیح می‌دهد: نمد پالانی هم کم و بیش خریدار دارد. روستاییان آن را برای قاطرشان می‌خرند.

در هوای سرد تن را گرم می‌کند و در هوای گرم، خنک و به همین دلیل خیلی از چوپان‌ها طابلیش هستند. پیرمرد نمدی را می‌کشاند تا در آفتاب کنار مغازه پهنش کند. دست‌هایش قوت و جانی ندارند، اما امان از اینکه به کاری عادت کنی. حتی اگر ماه به ماه هم مشتری نداشته باشی و دست‌ها جان و روز دادن نمد را نداشته باشند، نمی‌توانی از کار دست بکشی.

می‌گوید: نمد مالی زور بازو می‌خواهد و قوت جان. من از سر سرگرمی این کار را دنبال می‌کنم و نمد های بزرگ درست نمی‌کنم. در باره زور بازو راست می‌گوید. ماهم حرفش را تا آید می‌کنیم. حالا احتیاطاً با هم گپ می‌زنیم. می‌گوییم: در سن و سالی که شما دارید، خیلی هاتر جیب می‌دهند بقیه عمرشان را در خانه بمانند و اینکه شما هنوز این هنر را دنبال می‌کنید، خیلی حرف‌هاست. انگار حرفمان قوت قلب و انگیزه‌ای است برایش. می‌خندد و ادامه می‌دهد: یک کار که هر روز انجامش دهی، جزو عادت می‌شود و این کار با پوست و استخوانمان گره خورده است.

فرش‌ها جای نمد را گرفته‌اند

حالا فرش‌های ماشینی جای نمد ها را گرفته‌اند. با اینکه نمد مالی زحمت زیادی دارد و قیمتش به اندازه زحمتش نیست، حتی روستاییان و عشایر ترجیح می‌دهند از فرش به جای آن استفاده کنند. البته خیلی‌ها از خواص نمد غافل هستند و نمی‌دانند جلو سرما و رطوبت را می‌گیرد و برای خیلی از بیماری‌ها مفید است. اگر خانواده‌ها خاصیت نمد را بدانند، حاضر نمی‌شوند آن را کنار بگذارند و جایش از فرش استفاده کنند.

پشم خوب، نمد خوب

می‌خواهیم کمی درباره کارش توضیح دهیم. تعریف می‌کند: در نمد مالی پشم گوسفند حرف اول را می‌زند و کیفیت کار به این بستگی دارد که چه نوع پشمی را انتخاب کنی. هر چه پشم تمیزتر و خوش‌رنگ‌تر باشد، کار هم بهتر از آب درمی‌آید. بعضی گوسفندان پشم سفیدی دارند، اما بعضی‌ها هم سیاه است و کثیف. کثیف که می‌گوییم، یعنی اینکه بین پشم‌شان خاک و خاشاک است و البته نمد مال هم معمولاً آن را برای تمیز کردن به کارخانه می‌دهند و دست‌گاه‌های پیشرفته برای تمیز کردن آن دارند. اما ما پشم کثیف را به حلاجی‌های دهیم و پشم تمیز را تحویل می‌گیریم.

فرش‌های ماشینی جای نمد ها را گرفته‌اند. با اینکه نمد مالی زحمت زیادی دارد و قیمتش به اندازه زحمتش نیست



۶امدال طلا در کارنامه ورزشی نوجوان محله خواجه ربیع ثبت است

درخشندگی از چهار سالگی



امید
محله

ندا معصوم |

سال هلیش به علت جنگ در هرات و کابل و شهرهای افغانستان خیلی های دست از زندگی هایشان کشیدند و به ایران مهاجرت کردند. مشهد از جمله شهرهای مهاجر پذیر شد و بعد هم تهران و دیگر شهرها. اما مهاجران همسایگی امام رضا (ع) و بودن کنار این امامزاده شهرهای دیگر ترجیح دادند. به همین سبب حضور آن هادر برخی مناطق شهری پررنگ تر شد و طاب یکی از آن محدوده هاست. محمد کاظم یوسفی که زادگاهش هرات است و در این شهر به دنیا آمده و بزرگ شده است، فرهنگی است. او ماه رمضان سال ۱۳۶۷ تصمیم می گیرد در مشهد مجموعه ای را برای کمک به همسایگانش آماده کند. همین سال حاج آقا عالمی، مرحوم یوسفیان و چهار پنج نفر دیگر از خیران مهاجر پیش قدم شدند تا خیریه ای به نام جواد الائمه (ع) در محله ایثار شکل بگیرد و شروع به کار کند. این مجموعه در زمینه کمک های زیربنایی، معیشتی و درمانی حرف برای گفتن زیاد دارد. به ویژه در ایام کرونا که خیلی هادر تنگنای اقتصادی قرار دارند و نیازمند کمک هستند.

شناسایی بیماران مهاجر در بیمارستان ها

یوسفی که حالا مؤسس مجموعه است می گوید: غربت خیلی سخت است. این که در شهری و بین جمعیتی با همه چیز بیگانه و غریب باشی و ندانی که چه کاری باید انجام دهی و از کجا باید شروع کنی. مهم تر از همه این که خیلی هاهم عصر مایه و دارایی شان در افغانستان و محل زندگی شان جا گذاشته بودند دست خالی به ایران آمده بودند و حالا بدون مهارت و سواد برای گرداندن چرخ زندگی به سختی افتاده اند. او خیلی خلاصه تعریف می کند: این موضوع رسالت ما را در ایام کرونا بیشتر می کند. قاسم هاشمی، مدیر عامل مؤسسه اصل برنامه هار توضیح می دهد و اینکه فعالیت ها از زمان شیوع کرونا بوده است و تا پایان یافتن این زنجیره ادامه دارد. اینکه ۱۰ نفر عضو کمیسیون درمان هستند و موظف به شناسایی بیماران مهاجر در بیمارستان های شهید هاشمی نژاد، قائم (عق)، امام رضا (ع) و ۲۲ بهمن. یوسفی ادامه می دهد: در همه این مدت بیماران کرونایی در بیمارستان هاشناسایی می شوند و با توجه به اینکه هزینه های درمان زیاد است، همین ها را اخیراً به تقبل می کنند و بعد مرخص شدنشان هم از آن هادر اقامتی شود و علاوه بر این ها مواد ضد عفونی کنند و موشوینده را اختیارشان قرار می گیرد. موضوع دیگری که او اشاره می کند، این است که در این ۲ سال نان رایگان در اختیار ۲ هزار مددجویی قرار گرفته است که ز برپوشش مجموعه هستند و هیچ کدام از خانواده های زیر پوشش نان نمی خردند. این راهم پشت بندش می آورد: بسته های معیشتی به صورت مستمر در اختیارشان قرار می گیرد. یوسفی تعریف می کند: بیش از ۳۰ هزار ماسک در اختیار خانواده هار قرار گرفته است. این ماسک های اهدایی است یا تولید کارگاه های خودمان در قرقی است که زنان سرپرست خانواده آن را می چرخانند.

ارتباط استاد و شاگرد

این مسئول موضوع جالبی را مطرح می کند: اینکه در مناطق محروم چند گروه مسئول شناسایی کارگران مهاجر از طریق استاد کارهای آن هاشده اند و توضیح می دهد: می خواستیم آن ها واسطه شوند و بسته های معیشتی که برای آن هادر نظر گرفته شده است، با حفظ آبرودر اختیارشان قرار گیرد. می توانم بگویم که از ماه مبارک رمضان ۵ هزار بسته معیشتی بین خانواده های زیر پوشش و دیگر خانواده ها آماده توزیع شده است. او ادامه می دهد: در زمینه آموزش در این روزها هر کمکی از دستمان ساخته بود. انجام دادیم. چون هدف این مجموعه بر تربیت دانش آموزان گذاشته شده است و برای بهره مندی این گروه از فضای مجازی تبلت و گوشی هوشمند خریدیم و در اختیارشان گذاشتیم. در خود مجموعه هم مقدمات حضور دانش آموزان و رفع اشکال را با حضور استادان زبده آماده کردیم و این برنامه هنوز هم ادامه دارد. /

سیرجانی هنوز وارد چهارمین بهار عمرش نشده بود که به دلیل فعالیت بیش از انداز و شور و اشتیاق و هیجانی که داشت، مادر بر آن شد تا دست دختر بچه اش را بگیرد و به سالن ورزشی مسجد محله ببرد. همان سال بود که موفق شد اولین مدال طلای استانی رشته ژیمناستیک را از آن خود کند. بعد از آن وارد رشته کاراته شد و موفقیت های پیاپی اش در این حوزه، نشان داد که او کاراته کای موفقی باشد. هفته ای که گذشت، راحله رجبی، دختر دوازده ساله محله خواجه ربیع با یک دسته حکم قهرمانی و ۱۶ مدال طلا، میهمان تحریریه شهر آرمه بود تا از خودش و موفقیت هایش بر ایمان بگوید. «شیطنت های کودکی ام را خوب به خاطر دارم. به قول پدر و مادرم از دیوار راست بالامی رفتم. این شد که وقتی هنوز سه و نیم سال بود، همراه مادرم به مسجد محله امام حسن عسگری (ع) رفتیم و در کلاس های ژیمناستیک تنها سالن ورزشی محله که در زیر زمین مسجد بود، ثبت نام کردیم. «باشور و هیجانی که راحله در آموزش و یادگیری داشت، خیلی زود در میان هم رقیبانش در ورزش سرآمد شد و با حضور در مسابقات استانی و کسب مدال طلای آن مسابقات، انگیزه بیشتری برای ادامه راه پیدا کرد، اما نبود امکانات و دوری راه از «مهر مادر» در محله خواجه ربیع تا بلوار خیام برای رفتن به باشگاه مجهز تر سبب شد تا بعد از ۳ سال تمرین در این رشته، به سراغ رشته رزمی کاراته سبک کیوکوشن برود؛ اولش این تغییر سخت بود، اما خیلی زود خودم را با موفقیت جدید و موفق دادم و توانستم در این رشته هم به لطف خدا موفقیت هایی کسب کنم.

حضور در تیم ملی آرزویم است

راحله تا الان در حدود ۱۵ رقابت رسمی حاضر شده و دارای کمر بند مشکی است. از هیچ کدام دست خالی بیرون نیامده است، اما بزرگ ترین آرزوی ورزشی اش حضور در تیم ملی است: در مسابقات فراوان استانی و کشوری که در شهرهای تهران، بزدو... برگزار شده است، حاضر بوده ام و در همه آن ها مقام اول یا دوم کسب کرده ام، اما آرزویم پوشیدن لباس تیم ملی است. البته او یک بار برای حضور در رقابت هایی که در کشور ترکیه برگزار می شد، از طرف فدراسیون ورزش های رزمی نامزد می شود، اما از آنجا که همه هزینه های حضور در مسابقه با خود و رزقش است، راحله هم مثل خیلی از هم سن و سالانش به سبب نداشتن اسپانسر مالی از رفتن بازمی ماند.

برتری در مسابقات مجازی

کرونا و محدودیت های آن و تعطیلی باشگاه های ورزشی هم نتوانست راحله را از ورزش و کسب افتخارات و ورزشی دور کند. ۲ عنوان برتری در مسابقات مجازی توانست و از دیگر افتخارات دختر نوجوان محله ماست: کاتار کاراته از تعداد زیادی حرکت شامل چرخش و گام برداشتن تشکیل شده است که با همراهی انواع ضربات دست و پا انجام می شود. این ورزش می تواند هم انفرادی و هم گروهی انجام شود. در دوره شیوع کرونا از طرف فدراسیون استان مسابقات مجازی برگزار شد. با فیلم هایی که از حرکات ورزشی گرفته و فرستاده بودم، موفق شدم یک مقام اول و یک مقام سوم گروهی کسب کنم.

خواهران منصوریان الگوی ورزشی ام هستند

او خواهران منصوریان الگوی ورزشی اش می دانند و می گوید: البته اول از همه مربی ام خانم حسینی الگویم است که در وضعیت سخت توانسته است موفقیت های خوبی کسب کند. بعد هم خواهران فداکار منصوریان راحله دوست دار در پایان صحبت از والدینش هم بگوید: مادرم در این مسیر بهترین و بزرگ ترین حامی ام بود. او خودش رزمی کار است و الان هم مدیریت باشگاه را بر عهده دارد. پدرم هم در جوانی رزمی کار بوده است. تمریناتم بیشتر با پدرم است. تمرین پدر و دختری حس و حال خوبی دارد. /

کرونا زندگی

خبریه جواد الائمه (ع) ویژه اتباع در زمان شیوع کرونا فعالیت هایش پررنگ تر شد

دست مهاجران هم خالی نماند



محلات منطقه ما:

۳: راه آهن، فاطمه، گاز، مسلم، دروی، سپس آباد، طبرسی شمالی، عباس آباد، رسالت، خیرآباد، بهمن، خواجه ربیع، مهرمادر، بلال، قرقی و مهرگان

۴: طلاب، گلشور، ایشار، تلگرد، وحید، ابوذر، میثم شمالی، پنجتن، شهید قربانی، پنج تن آل عبا

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد

دبیر شهرآرا محله منطقه ۳ و ۴: معصومه فرمانی کیا

تلفن شهرآرا محله منطقه ۳: ۳۲۷۱۷۶۶۶

تلفن دفتر شهرآرا محله منطقه ۴: ۳۲۷۰۰۹۲۸

تلفن دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۰-۵

تلفن روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰

نمبر: ۳۷۲۳۸۳۱۰

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دفتر مرکزی روزنامه شهرآرا: میدان شهدا، نبش دانشگاه یک

دفتر منطقه ۳: بولوار علامه مجلسی، نبش مجلسی غربی ۷

دفتر شهرآرا محله منطقه ۴: پنجتن ۴۵، فرهنگسرای انقلاب

پست الکترونیک: mahalle3@shahrara.ir

mahalle4@shahrara.ir

کانال شهرآرا محله: @ShahraraMahaleh

دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله از: shahraranews.ir



روزگار نو کوچه قدیمی

هنوز هم آن راه نام طالقانی می شناسند. جالبی کوچه به این است که آدم‌های قدیمی، شغل‌های قدیمی‌شان را حفظ کرده اند و در مغازه‌هایی با همان شکل و شمایل گذشته کار می کنند و کنارشان حرفه‌های جدید هم پا گرفته است؛ مثل کافی شاپ‌هایی که برای نسل تازه جذابیت دارد.

کوچه ابوذر غربی ۱۳ قبل از انقلاب «مهدوی» نام داشته است. سیدصفی... حسینی که تا چند سال دیگر هشتادسالگی را تجربه می کند، می گوید: این کوچه بعد از انقلاب به نام شهید طالقانی شد و به دلیل مشابهت اسمی با یک محله در احمدآباد، «ابوذر» نام گرفت و حالا به ابوذر غربی معروف است؛ هرچند قدیمی‌ها

کوچه ابوذر غربی ۱۳

منطقه ۳ - محله فاطمیه



زمین مسجد امام محمدباقر (ع) را غلامحسین بالندری در سال ۱۳۴۵ وقف کرده و همان سال با همکاری و مشارکت مردم بنا شده است؛ هرچند تجدید بنای مسجد به تازگی انجام شده است و به سال ۱۳۹۴ برمی گردد.



گرما به آریا بعد از فوت حاج صفر جعفرپور، ۵ سال پیش تعطیل شده است، اما ۵۰ سال در آن به روی مردم محل باز بود.



بیشتر مشتری‌های آرایشگاه رسول ربانی پیرمرد هستند. می گوید: مدل‌های جدید از دستم بر نمی آید و مدل‌های قدیمی جوان‌پسند نیست.

حاج آقا جعفرپور ۵۰ سال است که خیاطی می کند. کت و شلوارهای دست‌دوز او سر میخ مانده است. می گوید: مردم حالا کت و شلوار بازاری را بیشتر ترجیح می دهند.

